

ديموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است! از شورای علمی مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان

ملت درد کشیده افغان و مردم ما در بیشتر از سه دهه اخیر عملاً و عمدتاً خواسته و ناخواسته برای اهداف، آرزوها و تحقق برنامه های دور و نزدیک دیگران، تحت نام های مقدس دفاع از وطن و عقیده مقدس؛ قربانی دادند. معارک سیستم سرمایه داری و سوسیالیستی - کمونیستی، معارک امریکا و شوروی وقت و جانشینان آن، معارک پاکستان و هند، معارک و اختلافات حکومت کشورهای سنی عربی و ایران با اندیشه های شیعه و... برای ما، تباه کننده، گشوده و خانه سوز بود. نیست خانه و خانواده ای که درین راه به شکلی از اشکال قربانی نداده باشد و یا درد و رنج جبران ناپذیری را در این عرصه، نکشیده باشد.

زمان آن رسیده تا با تعقل و منطق، همه با هم بدون تعلقات و اولویت های محدود شخصی به منافع وطنی و مردمی خویش اولویت داده و زمینه های تفاهم، مصلحت و حس خیر را تقویت نموده و در یک جرگه و پلتفورم نجات با هم کار مشترک نجات و رهانی را درپیش گیریم.

ما دیگر وقت برای ضایع کردن نداریم و نباید فرصت های موجوده جهانی را از دست داد. مطمئناً اگر به موقع و بجا در برابر این بلایا و برای ختم این تراژیدی مردم ما همکاری های خوب جامعه جهانی را به نحو احسن استفاده نه بریم، کار سالم، دلسوزانه و سازنده، نکنیم، بر علاوه از دست دادن فرصت های خوب، دامنه این خانه سوزی و تراژیدی تهدید جدی تری برای منطقه و جهان خواهد شد!

ملت ما حق دارد بالاخره به آرزوها و توقعات دیرینه خویش دست یابد و توأم با رفاه و آرامش زندگی نورمال خویش را به پیش ببرند.

بلی برای رسیدن به این اهداف مقدس و انسانی، ضرورت است تا با قوت و با استفاده از تمام امکانات کار نموده و بر نقش بسیار مهم پیشتازان و منورین آگاه جامعه درین راستا که قایم مقام ندارد تأکید بیشتر نماییم.

درین بخش عمداً از استعمال کلیمه «روشنفکران» ابا ورزیدم تا آن عده از روشنفکران را شامل این رسالت نسازم که تحت مفهوم آزادی، دیموکراسی و پیشرفت توهین و تحقیر به مقدسات کشور و مردم را پیشه نموده اند، چرندیات و تاکیدات بی معنای دشمنان عزت و ناموس وطن را زمزمه و بلند گویی کرده و با پرروی و حرام نمکی در پی براندازی و توهین افتخارات ملت و مردم ما برآمده اند.

آنها تحت نام دیموکراسی و آزادی با از خود سازی ارزشهای منفی غیر از ارزش های خوب جامعه و مردم ما، مفاهیم و واژه های دیموکراسی و آزادی را بصورت وسیع و کاری در جامعه و در بین مردم ما منفور ساخته و درین راستا عملاً و با وقاحت کار وسیع سازمان یافته میکنند.

به فهم من یکی از مقصرین اصلی درین مورد ارگانهای عدلی و قضایی کشور است. آنهائیکه که قانون را تطبیق کرده نمیتوانند. بلی دیموکراسی بدون تطبیق قانون مردود است و این حالت تأیید و سندی برای ادعا و فهم ما ازین حالت ناگوار است.

قابل تأسف حالت خواهد بود که این افراد خائن به وطن و افتخارات کشور و مردم ما با تقلب و زور مادی و تأثیرات سیاسی وسیع استخبارات خارجی و خاصتاً همسایه های ما به پارلمان کشور نیز راه یابند.

از طرف دیگر مسلم است که پارلمان تحویلخانه، گدام و محل تجمع داکتران، پروفیسوران، استادان و نخبگان نیست. بلی پارلمان مظهر اراده مردم و تبلور آن است. اما این تبلور نباید تبلور صرف جهات و چهره ای نامطلوب بخشی از جامعه باشد. خوبی ها باید بر بدی ها غلبه داشته و پروسه باید به جانب مثبت سوق داده شود.

بجاست یاد آور شویم که عده ای ساده لوحانه به این معتقد اند که " همین جامعه و همین اداره و حاکمیت بی کفایت"

عده ای دیموکراسی و آزادی را رد میکنند و دلیل تیوریکی میآورند اگر اکثریت جامعه تصمیم بگیرد و اتفاق کند که اقلیت مثلاً قومی را در جامعه نابود کند و یا از کشور خارج سازند پس باید باساز این فهم دیموکراسی که اکثریت تصمیم گرفت این برخورد غیر انسانی و ظلم مجاز و مشروع باشد. درحالیکه ظلم و تعدی و تجاوز بر حقوق دیگران از لحاظ قانونی منع است و این به آزادی و دیموکراسی و اقلیت و اکثریت ارتباط نداشته و مبرر داشته نمی تواند. به فهم من زمانیکه شخص نالایق، متخلف نایسته و جنایت کار در انتخابات برنده میشود علت آن از همه اولتر و در اکثر اوقات و مطابق به معلومات غیر قابل انکار مردم ما همین عدم تطبیق قانون است.

درچنین انتخابات و از جمله در انتخابات افغانستان تقاب صورت گرفته، انتخابات شفاف و تحت نظر قانون و دیموکراتیک دایر نشده، مصرف پول بی حد و حصر که مرجع درآمد و مدرک قانونی آن رسماً معلوم نیست و یا هم تمام شواهد و قراین واضحاً حکم میکنند که مرجع و مدرک آن تجارت مواد مخدره و یا استخبارات خارجی است. درین انتخابات و در مجموع محدودیت آزادی مطبوعات وجود داشته و پیگرد عدلی و قضایی متخلف به موقع صورت نگرفته. این همه و همه مؤید این مدعا اند که دیموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود و نابکار است و به اصطلاح این آراء بدست آمده آراء مردم به صورت قانون بوده نمی توانند و نیستند.

این به حالتی میماند که یکی مسلح و مجهز با تمام انواع اسلحه است و دیگر هیچ سلاح ندارد اما حین مجادله و یا بوجود آمدن مشکل و تنازع بین این دوشخص ساده لوحانه تبلیغ کنیم که ما به حیث مرد ثالث (مثلاً جامعه جهانی) باید بی طرف مانده و بگذاریم که آن دو (مثلاً کاندیدان ریاست جمهوری و یا پارلمانی) با یکدیگر در میدان مصاف نموده و برای بدست آوردن آراء ملت زور آزمایی نمایند. نتیجه چنین زور آزمایی از همان آغاز معلوم است. یکی صدها میلیون دالر کمک های خارجی و امکانات داخلی و خارجی مادی دارد، یکی میتواند پست های دولتی را هدیه کند و وعده بدهد و دیگری پول بلند کردن آواز خویش را حتی در رادیوی محلی نداشت، پول سفر به محلات رای دهی و مردم را ندارد و... درین صورت بی طرفی جهان و یا مرجع دیگر در انتخابات ریاست جمهوری گذشته افغانستان و یا انتخابات پارلمانی یک بیطرفی نبوده بلکه طرف آن کاملاً واضح و روشن است.

یک مسأله مهم دیگر درین راستا نیز قابل دقت است و آن اینکه ما میتوانیم به اهداف خویش از طرق انقلابی، تانک، تفنگ و به کار بُرد سلاح توصل جسته و برسیم و یا میتوانیم با سیستم سازی و در داخل نظام بدون حرکات انقلابی و به اصلاح و تفاهم نیک پرداخته و برای بهبود نظام و سیستم کار کنیم. ما میتوانیم سیستم برانداز و یا هم سیستم ساز باشیم. استفاده معقول از هردو روش بدون افراط و تفریط جای، استدلال و منطق خویش را دارد. در سطح جهانی نیز تلاش وجود دارد تا عوض تهدید و قوه به جانب تشویق و تطمیع گذار شود. من بیشتر جانبدار روش مسالمت آمیز ام. روش به اصطلاح انقلابی و بکار گیری آن قانون و قانونیت و حاکمیت قانون را مورد سوال قرار داده و تطبیق قانون معطل قرار میگیرد.

ما به این باورم که دیموکراسی و از جمله انتخابات قایمقام و الترناتیف ندارند، اما ازین انستیتوت دیموکراسی یعنی انتخابات به نحوی بدنام کننده و رو پوش تخلفات زورمندان استفاده صورت نگرفته و قانون بصورت شفاف و بلااستثناء تطبیق گردد. این برخورد متقابلانه به دیموکراسی در واقعیت تحریک افکار مخالف مردم به نظام دیموکراتیک، دیموکراسی و انتخابات به ذات خود است.

با دیموکراسی کسانی مشکل ندارند که آنرا روپوش جنایات و تخلفات خود ساخته اند.

با دیموکراسی کسانی مشکل دارند که آنرا امر جدی تلقی نموده و درعمل صادقانه پیاده کردن میخواهند و پیاده میکنند.

برای پیمودن راه و پروسه سیستم سازی و در مجرای درست قرار دادن انستیتوت های کشور باید قوانین خوب را روی کار و از تطبیق آن مراقبت دوامدار نمود. فضا و جوی سیاسی را باید با صداقت و پیگیری آماده ساخت این یک کار تصادفی نیست. این پروسه به گریه، صرف فرمان، فریب و چالاکي نمی شود. برای تحقق این کار بر علاوه داشتن اراده سیاسی، فهم و دانش مسلکی لازم و ضروری است. تحقق آن به قربانی و تلاش اولاد صالح وطن ضرورت دارد.

درین مبحث کار برای تحقق اراده ملت و حاکمیت مردم از طرق و روش های معین و عمده ترین و اساسی ترین آن یعنی انتخابات آزاد، شفاف و مطابق به قوانین خوب صورت گرفته میتواند.

بلی جرگه و شورا از دست آورد های خوب تاریخ کشور و ملت ما است که به نحوی حاکمیت مردمی را تمثیل میکند. اما به دقت باید توجه کرد که در طریق انتخاب و پیشکش کردن نماینده ها به این شورا ها و جرگه ها باید از دست آورد ها و روش های خوب، بهتر و جدیدی استفاده کرد. این شورا ها و جرگه ها را باید واقعا ممثل و نمایند های اصلی و واقعی مردم گردانید. تأکید من به این موضوع بر علاوه دیگر به این علت که در فهم عنعنوی از شوراها و جرگه ها نمایندگان درین شورا ها و جرگه ها از افراد پیشکش میشدند که به صورت عنعنوی و مانند اتوریتته های طبیعی بدون رای گیری مردم و انتخاب همگانی، صورت میگرفت. این وضع باید در قرن حاضر چهره و محتوی دیموکراتیک تر و به صورت مشخص به نحوی انتخابات آزاد، شفاف و تحت نظر قانون صورت گرفته و تدویر یابد. برما است تا یکبار دیگر به دقت به سوال مطرح که برای رسیدن به اهداف خیر حاکمیت ملت و مردم به مفهوم درست آن کدام راه های عملی ممکن موجود است و ما چه وسایل را در اختیار داریم تا به حاکمیت مردم به مفهوم واقعی کلمه رسید؟

حاکمیت های دیکتاتوری فردی، شاهی، جمهوری و درین میان دهها تقسیم بندی دیگر؟

به فهم ما نظامی که زمینه حاکمیت مردم بالای مردم، در خدمت و پالش ارزشهای مردمی بوده و توسط مردم ایجاد شود، بهترین نظام ممکن در عالم بشریت امروز است. این نظام را ما امروز نظام دیموکراتیک به مفهوم بالای آن میدانیم. دقیقاً این حالت برای ما منیحت یک مسلمان و جامعه اسلامی نیز قابل قبول و مطلوب است و آن قبل از همه

بخاطر اینکه اکثریت قریب به اتفاق مردم ما مسلمان و انتخاب ما منحیت یک مسلمان معلوم است. نقش علماء و روحانیون و پیشتازان جامعه چنانچه در بالا آوردیم، به حیث مساعد و راهنمای مردم در انتخاب راه بهتر و درست قایمقام ندارد و نه خواهد داشت.

بجاست که تأکید بداریم که این خبرگان و پیشتازان حق ندارند تا حق ملت را در انتخاب شان به خود انتقال داده و یا به اصطلاح با تدویر کنفرانس ها و جرگه های محدود ملت را از اظهار نظر به این استدلال که ما خبرگان حق تمیز را داریم از حق مسلم انتخاب محروم سازند. به این باریکی ها باید دقت کرد و همیشه در نظر داشت.

دقیق این است که عده ای از ما و برحق هم از نام دیموکراسی بخاطر آنچه تحت این نام در عصر ما بوقوع پیوست و عملی شد شرم و عار دارند. حتی استعمال کلمه دیموکراسی را سفارش نمیکنند تا چه رسد به این که خود را موافق و علم بردار آن بدانند. اما واقعیت چنین است که **انستیتوت های دیموکراسی که عمده ترین آن انتخابات و حاکمیت مردم است در صورتیکه درست عملی شود، الترناتیف و قایمقام ندارد.**

ضرورت است به یک جانب بسیار مهم دیگر نیز با وضاحت اظهار نظر نموده و متذکر شویم که: اقتصاد بازار آزاد در چوکات نظام دیموکراتیک بدون حاکمیت قانون نیز مردود است.

اقتصاد بازار آزاد که همه چیز را عرضه و تقاضا تعیین کند، توانایی های رقابت اقتصادی وجود نداشته باشد و مافیای اقتصادی حاکم باشد، مردود است.

این آن چیزی بود که زهر آنرا مردم ما در ده سال گذشته چشیدند. در شرایط کشور ما اقتصاد مختلط بحیث وسیله برای رسیدن به اقتصاد بازار آزاد تحت نظر قانون سفارش خوب پنداشته شده و ضرورت است.

و اما واپس به انتخابات و انتخابات پارلمانی گذشته که تاحال نتایج رسمی مکمل آن معلوم نیست و انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری اخیر افغانستان که با امیدواری های معین با شک و تردید همراه بود.

در مورد آنچه واقع شد یکبار دیگر بر تأکیدات ما صحنه میگذارد که دیموکراسی لجام گسخته و بدون حاکمیت قانون مردود است.

انتخابات چنانچه گفته آمدیم منحیت رهنمود، شعار و راه بیرون رفت، یگانه راه، روش و وسیله ای است که حاکمیت مردم را تحقق بخشیده میتواند، قایمقام و الترناتیف ندارد.

اگر کسی خواهان صلح مستقر و دوامدار در کشور و جامعه است. اگر تلاش داریم تا ازین بن بست خارج شده و راه حل عادل و شامل را به پیش گیریم پس بر تمام احزاب، سازمان ها، گروه های سیاسی کشور، شخصیت ها و منورین کشور است تا درین راستا به توافق رسید که: **حاکمیت به مردم تعلق دارد و این مردم اند که باید انتخاب کنند، کدام نسخه کدام حزب و کدام سازمان و حرکت سیاسی را برای حل مسایل و نجات این کشتی و رسیدن به ساحل مقصود درست و به جا میدانند؟**

رسیدن به قدرت سیاسی برای خدمت به مردم و اهداف خیر عبادت است. برای رسیدن به اهداف خیر و صلح دوامدار و بیرون شدن این وضع باید به توافق و تعهد رسید: **که گرفتن قدرت سیاسی نه به کودتا ها، نه به زور و نه به بازوی استخبارات کشور های دور و نزدیک و نه به پول های نقد ایشان و نه به معامله خائنه و نه هم از طریق کنفرانس ها و دساتیر خارجی بجا و درست بوده.**

بلی یگانه طرز العمل و شیوه رسیدن به حاکمیت جهت تحقق اهداف و برنامه های راه انتخابات آزاد و دیموکراتیک که مردم این برنامه را انتخاب بر آن صحنه گذارند. بلی برای تحقق این راه باید عملاً کار کرد.

دولت، حکومت و نظام که بر اساس اراده آزاد مردم به میان آمده باشد از اتوریتیه سیاسی برخوردار بوده و توان حل مسایل و مطالب را دارد. چنین نظام و حاکمیت را مردم از خود میداند و چنین برنامه ها را مردم برنامه های خود میداند و برای تحقق آن کار میکند. مردم باید والی، ولسوال و حاکم، رئیس، حکومت و پارلمان را از خود دانسته و آنرا خدمتگار خود بدانند. اما تا حال متأسفانه وضع برعکس است. تغییر این وضع تصادفی نمی شود. مردم را نباید فریب داد و مردم فریب نمی خورند.

آیا انتخابات و اجراءات متعلق به آن در کشور ما مطابق به قوانین (حتی قوانین ناقص) نافذ کشور اجراء شده؟

قبل ازینکه به این جواب بپردازم میخوام بگویم چرا دولت افغانستان (قوة اجرائیه، قضائیه و مقتنه) در مجموع ضعیف، نابکار و آغشته به فساد است؟ این حالت علل و عوامل زیاد دارد که انتخاب و سیاسیت کدری درین ارتباط تعیین کننده است. فهم مسلکی در کار اتوریتیه کاری میبخشد اما به یقین که حاکمیت صرف تخنوکرات ها بدون مشروعیت لازم و صرف متخصصین بودن راه حل نیست. صرف و صرف تأکید به حاکمیت متخصصین که اتوریتیه لازم سیاسی ندارند منجر به ایجاد حکومتات تجرید شده از مردم میگردد. مردم افغانستان درین چند دهه اخیر ازین تجارب تلخ زیاد دارند. دقیق چنین است که پُست های دولتی باید به پُست های سیاسی و مسلکی تقسیم شده و شخص گماشته شده در پُست سیاسی باید از اتوریتیه و مشروعیت سیاسی برخوردار باشد.

نقطه مرکزی اتوریتیه سیاسی در قرن حاضر و دولتداری درست به اساس روابط استخبارایت، خانوادگی، نژادی، قومی، قبیله ای، منطقه ای، عمر و ... قابل قبول نیست و نتایج کاری را بدست آورده نمی تواند. بهتر است اگر افراد مسلکی اتوریتیه سیاسی را در انتخابات آزاد به اراده و انتخاب ملت کسب نموده و مسؤولیت امور را بدست گیرند.

این پروسه نه تصادفی است و نه هم کار فرمان و آرزو. برای آن باید کار بسیار ظریف، با حوصله و کار به دقت کامل صورت گیرد. انتخابات و کار دقیق و حساس برای انتخابات جهتی جهت دادن مشروع امور به این سمت، کاری بود که توقع میرفت.

در انتخابات ریاست جمهوری اخیر افغانستان چه گذشت و مطالبات قانون چه بود؟

جواب بسیار مختصر و تلگرافی: مطابق به قانون نافذ کسی در دور اول انتخابات برنده انتخابات در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان پنداشته میشود که بیشتر از ۵۱ فیصد آراء افراد واجد شرایط انتخاب را بدست آورده باشد. دیدیم و شنیدیم که در دور اول انتخابات ریاست جمهوری افغانستان با وجود تلاشهای کمیسیون انتخابات (کمیسیون نامستقل انتخابات) چنین نشد و کسی از کاندیدان حد اقل ۵۱ فیصد آراء واجدین شرایط رای را در انتخابات ریاست جمهوری اخیر افغانستان بدست نه آورد. لذا انتخابات مطابق به قانون به دور دوم رفت. در دور دوم دوتن از کاندیدان ریاست جمهوری اشتراک مینمایند که بیشترین آراء را بدست آورده باشند. ما دیدیم که دور دوم انتخابات ریاست جمهوری تدویر نگردید و جناب داکتر لودین رئیس کمیسیون انتخابات مطابق و به استناد ماده قانون که در مورد ظهور کمیسیون انتخابات است برنده ریاست جمهوری را کاندید حاکم اعلان کرد. به تعقیب آن نمایندگان دنیا در سازمان ملل متحد به اتفاق آراء (۱۹۲ کشور) بر این انتخابات صحه گذاشتند و به برنده انتخابات ریاست جمهوری افغانستان کف زدند؟! و ما باید برای مصلحت این را قبول کنیم.

انتخابات پارلمانی اخیر در افغانستان:

قانون جدید انتخابات توسط حکومت قبل از تدویر انتخابات به پارلمان فرستاده شد. پارلمان افغانستان آنرا رد کرد و سپس به حکومت فرستاد. حکومت آنرا بعد از اندک زمانی واپس به پارلمان فرستاد. قرار معلوم پارلمان افغانستان این بار این قانون پیشنهادی را به دو برسه آراء رد کرد که این رد نهایی شد. اما حکومت قانون انتخابات رد شده را مجدداً با دو ثلث آراء خلاف قانون اساسی باساس فرمان تقنینی نافذ اعلان کرد و انتخابات پارلمانی گذشته افغانستان به اساس، مبدا و قانون؟! صورت گرفت که اصلاً قانون نیست و قانون پنداشته نمی شود. **چنین صلاحیت را فرمان تقنینی رئیس جمهور در صورتیکه پارلمان آن قانون را مجدداً با دو ثلث آراء رد کرده باشد - ندارد.** انتخابات پارلمانی در حضور نیروهای خارجی خود یک بحث مستقل که در شرایط ما جوانب مثبت و منفی خویش را دارد.

اما در عمل ترکیب و کمیت کمیسیون مستقل انتخابات و طریق انتخاب آن گذشته از یک عده شخصیت های خوب کشور در رأس آن جوابگوی وضع نبوده و توانایی ها و ظرفیت های شان کاملاً محدود بود و هست. تعداد شکایات و تعداد افرادی که باید به آن رسیدگی میکردند اصلاً غیر متناسب و حالت غیر ممکن را بوجود آورده. حالت غیر ممکن درین است که چطور و باکدام پرسونل و کدام تخنیک و امکانات کمیسیون محدود شکایات به هزارها هزار شکایت رسیدگی نموده و به اساس این امکانات کدري تخنیکي محدود تصاميم لغو و باطل کردن صدها حوزه های انتخاباتی را میگیرد. این یک حالت است که به هیچ صورت منجر به تأمین عدالت شده نمی تواند و نیست.

عدم واضح بودن صریح صلاحیت های مراجع عدلی و قضایی و صلاحیت کمیسیون رسیدگی به شکایات خود یک مبحث مستقل و اساسی است دیگر است که به اثر بی کفایتی های مسلکی، مداخلات سیاسی و غیر قانونی روشن نشده و یا هم روشن است اما تأثیرات سیاسی و بی کفایتی های مسلکی درین زمینه تأثیر تعیین کننده داشته و وضع را غیر قابل قبول ساخته است.

در بسیاری از محلات عملاً انتخابات صورت نگرفت، ارگانهای دولتی، مافیایی، مخالفین مسلح، پول های نامشروع و غیر قانونی، مراجع استخباراتی کشورهای مجاور در رأس پاکستان و ایران مداخلات صریح و غیر قابل انکار درین انتخابات داشته و بخشی از قوماندانان سابق و حاکمیت امروز تعیین میکردند که کی باید از ولایت و محلات شان وکیل و نماینده مردم شود.

بلی لغو نتایج رای گیری صدها حوزه انتخاباتی جداً قابل تشویش بوده و مشروعیت انتخابات اجراء شده را مورد سوال جدی و اساسی قرار میدهد. دقیق این است که مخالفین و یا هم اپوزیسیون مسلح و غیر مسلح درین انتخابات اشتراک لازم نداشت و ترکیب سیاسی و قومی این پارلمان جوابگوی صدای مردم نیست. تعداد اشتراک کننده ها در انتخابات و نتایج واضح و روشن انتخابات به نفع بعضی اقوام و محرومیت کتله بزرگ از جامعه ما جداً سوال مطرح میکند و مطرح است که این پارلمان صلاحیت و مشروعیت تصمیم بر مسایل را خواهد داشت یا نه؟ ما به این عقیده ایم و فکر میکنیم که نه.

راه حل چیست؟

تشکیل جرگه، حرکت و پلاتفورم نجات افغانستان برای حد اقل مدت و با وظایف مشخص به همکاری و زعامت موقت افراد با درد و خدمتگار ملت نه مفهوم تعویض قصابان؟! بلکه به منظور تشریک مساعی همه جانبه به همکاری جامعه جهانی و جستجوی راه حل سیاسی تراژیدی مردم افغانستان.

اداره و تشکیل اداره موقت برای حد اقل مدت زمینه ایجاد جو و فضای عملی حاکمیت مردم و عملاً اجرای انتخابات واقعی را اجراء و نظارت خواهد کرد. انتخاب مردم به مفهوم انتخاب نسخه های که احزاب، سازمانها، شخصیت ها

و جبهه نجات مردم و افغانستان باشد کار خواهد کرد. بعد از توافق سیاسی سرتاسری بر قواعد زندگی مشترک سیاسی در کشور ما، تدویر انتخابات پارلمانی قبل از وقت به اشتراک تمام گروه های سیاسی که قوانین و قواعد اساسی پلاتفورم جرگه نجات و اولی را قبول نموده و در کشور خواهان صلح و حاکمیت مردم اند و حاکمیت را از آن مردم میدانند، صورت خواهد گرفت. این همه با تشریح مساعی خیر اندیشان و اولاد صالح وطن و مساعی جهانی انشاء الله ممکن است. بلی با پیروی از قوانین و دست آورد های بشری و تطبیق اصول مردمی و راستین دیموکراسی و حاکمیت قانون ممکن است.

این پارلمان قانون اساسی کشور را که در مقام اول توازن مطلوب بین قوای سه گانه دولت را بوجود آورده و ساختار سیاسی اقتصادی جدید و رهنمود حکومت را تصویب و به منصفه اجراء قرار خواهد داد.

من به این باورم که در صورت عزم راسخ، داشتن قاطعیت و جسارت لازم سیاسی و دست قوی حاکمیت قانون بخاطر برطرف کردن موانع پیشرفت و صلح - با یک نیک نگری و نیک اندیشی راه های عملی برای نایل شدن به آن وجود دارد.

کار دوامدار و صادقانه برای مردم سالاری، متکی شدن به نیروهای نظامی خود، تربیه کدرهای افغانی و تربیه شان برای مشاغل و پیشه های که افغانستان به آن ضرورت دارد تدابیر نیک و ضروری است که باید اجراء شوند. تأکید بر بلند بردن ظرفیت های ارگانه های عدلی و قضایی، بلند بردن ظرفیت های کاری دولتی مطالب خوب، ضروری و قابل پشتیبانی است.

اصلاح نظام اداری و درین راستا لغو و یا شکلی ساختن حلقات وسطی اداره (یعنی واحد های اداری ولایتی) و با استفاده از وسایل ارتباطی مدرن و تخنیک عصر حاضر بلند بردن صلاحیت ها و ظرفیت های واحد ها و ارگانه های اداری ولسوالی و علاقدهاری و تضعیف صلاحیت های اداره ولایت و تقسیم وظایف ادارات ولایتی بر ارگانه های ولسوالی و مرکزی میتواند در بهتر شدن اداره و نزدیک شدن اداره به ملت مساعدت کند. اداره را ارزان و کاغذ پرانی های بی موجب را محدود سازد.

تشکیل واحد های امنیتی ده گانه در سرتاسر کشور نیز ممد خوب و منسجم تر برای واحد های امنیتی کشور خواهد بود. درین واحد های ده گانه میتواند اردو، امنیت دولتی، پولیس، ارگانه های عدلی و قضایی کشور تشکیلات خویش را منظم ساخته و کار مشترک نمایند.

من به این باوریم که مطبوعات و وسایل اطلاعات جمعی نقش خاص خویش را در خدمت به حاکمیت مردم و دیموکراسی دارند و درین زمینه باید توجه خاص صورت گیرد.

نظارت بر تطبیق قانون و بلند بردن ظرفیت های عدلی و قضایی کشور بسیاری از پدیده های منفی در کشور را حل کرده میتواند.

به آرزوی تحقق افکار، اندیشه ها و تدابیر مردم سالاری و خدمت به مردم مستضعف افغانستان و امر صلح.

به آرزوی تصویب قوانین خوب و تطبیق مداوم آنها.

در اخیر یکبار دیگر تأکید داریم که نظام دیموکراسی، انتخابات مردمی، شفاف و تحت نظر قانون الترناتیف و قایم مقام خوب دیگر ندارد و دیموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است.

پایان